

آسیب شناسی هویت ملی ناشی از پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاهها

دکتر محسن جان پرور^۱

ریحانه صالح آبادی^۲

آرزو احمد آبادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۵

چکیده

تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر نظیر جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات به صورت‌های مختلف هویت ملی کشورها را تحت تأثیر قرار داده و از سوی دیگر زمینه را برای خودآگاهی و تحریک هویت‌های قومی در سطح جهان افزایش داده است. این تحولات به گونه‌ای بوده است که حکومت‌ها به ویژه حکومت‌هایی که دارای تنوع قومی هستند را برای حفظ هویت ملی با مشکل مواجه کرده است. به نحوی که در شرایط کنونی حکومتها برای حفظ و تقویت هویت ملی خود از هر گونه تلاش و اقدامی چشم پوشی نمی‌کنند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که دارای شرایط ویژه است زیرا، ترکیب جمعیت ایران به نحوی است که اگر ایران را کشوری چند قومی بنامیم چندان دور از واقعیت نخواهد بود. حضور اقوام گوناگون ترک، لر، بلوچ، عرب و ترکمن بیانگر ترکیبی موزاییکی در جامعه‌ی ایرانی را شکل می‌دهند. با توجه به شرایط جدید جهانی حفظ و تقویت هویت ملی کشور با توجه به این ترکیب جمعیتی نیازمند تلاش و اقداماتی گسترده است و باید از همه فرصت‌های پیش رو جهت دستیابی به این مهم‌ترین بهره را برد. در این میان، مراکز آموزش عالی (دانشگاه‌ها) یکی از فرصت‌هایی بوده است که با کنار هم جمع کردن افراد از گروه‌های قومی و مذهبی مختلف از سراسر کشور زمینه نزدیکی، تعامل و شناخت بیشتر بین آنها را فراهم می‌آورد و به تقویت و حفظ هویت ملی کمک می‌کند، اما متأسفانه در پیش‌گیری سیاست بومی‌گزینی دانشجو در دانشگاه‌های کشور این فرصت جهت تقویت و حفظ هویت ملی در حال از بین رفتن است. بر این اساس تحقیق حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در پی شناخت آسیب‌های هویت ملی ناشی از بومی‌گزینی دانشجو در دانشگاه‌های کشور است. نتایج نشان داد که این بومی‌گزینی ۱۰ مولفه اساسی نظیر: عدم تبادلات فرهنگی، کاهش ازدواج بین گروه‌های قومی، کاهش شناخت گروه‌های قومی از یکدیگر و ... به همراه دارد که هر یک از آنها به نوعی حفظ و تقویت هویت ملی را دچار مشکل کرده و از سوی دیگر محاسن و معایبی برای هویت قومی در پی دارند.

واژه‌های کلیدی: بومی‌سازی، هویت ملی، هویت قومی، آموزش عالی

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده اصلی) و (مسئول مکاتبات). janparvar@um.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

۱. مقدمه

امروزه مسأله هویت خصوصاً هویت ملی و قومی در ابعاد و سطوح مختلف و همچنین دگرگونی‌های آن در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار داشته و دل مشغولی زیادی برای اندیشمندان و جوامع ایجاد کرده است. بدون هویت ملی و قومی، نمی‌توان از وجود اجتماع یا هویت اجتماعی صحبت کرد. یعنی بدون وجود چارچوب‌های مشخصی که شباهت و تفاوت‌ها را مشخص سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را میان خود نخواهند داشت (میرحیدر، ۱۳۹۲: ۲). دولتهای ملی مدرن در مقایسه با امپراتوریها و دولتهای نوع قدیم اساس حکمروایی خود را بر همگنی و انسجام بیش از پیش از پیش ملی قرار داده‌اند و این‌گونه دولتها می‌کوشند با اعمال سیاست‌هایی معین این همگنی و انسجام را افزایش دهند و بدین ترتیب اتحاد و همبستگی ملی را قوام بخشند. دولت ایران نیز با آنکه از یک پیشینه دولتی دیرین و هویت دیرپای ایرانی برخوردار بوده است، با تکیه بر این سابقه، روشهای مدرن دولت‌سازی را در پیش گرفته است و از زمان تشکیل دولت مدرن که نزدیک به صد سال می‌گذرد پیوسته سعی شده است سیاستها به گونه‌ای تنظیم شود و به اجرا در آید که خدشه‌ای در این وحدت به وجود نیاید و این بنیان مرصوص همچنان پایدار بماند. ترکیب جمعیت ایران به نحوی است که اگر ایران را کشوری چند قومی بنامیم چندان دور از واقعیت نخواهد بود. حضور اقوام گوناگون ترک، لر، بلوچ، عرب و ترکمن بیانگر ترکیبی موزاییکی در جامعه‌ی ایرانی است. در کنار این موضوع آنچه در مورد ایران حائز اهمیت است موقعیت جغرافیایی و راهبردی ایران است. در کنار ایران همسایگانی شکل گرفته‌اند که به دلیل نوپا و جدیدالتاسیس بودن، بحرانهایی را برای خود و همسایگان‌شان همراه داشته و ادعاهایی را در مورد تمامیت ارضی ایران مطرح می‌سازند. تنوع زبانی جمعیت ایران و خطرهای بالقوه‌ای که از جانب برخی از کشورهای همسایه و نیز قدرتهای بزرگ ما را تهدید می‌کند، ما را وادار می‌دارد که بیش از سایر کشورها نسبت به وحدت ملی و لزوم تقویت زبان ملی حساسیت به خرج دهیم. نهادهای مدرن به ویژه ارتش و نظام آموزش عالی از مهمترین ابزارهای این وحدت آفرینی بوده‌اند. جوانانی که از مناطق مختلف کشور به خدمت نظام وظیفه اعزام می‌شدند از پوسته بسته و محدود منطقه و محل زندگی خویش خارج می‌شدند و در شهری دور یا نزدیک با هموطنان خویش که از مناطقی دیگر آمده بودند و احیاناً به گویش‌های متفاوتی سخن می‌گفتند حشر و نشر می‌یافتند و بدین ترتیب درکی جامع و فراگیر از هویت ملی ایرانی پیدا می‌کردند. در این زمینه آموزش عالی نیز یکی از مهمترین ابعاد توسعه است و یکی از ابزارهای اصلی در تحقق اهداف مختلف محسوب می‌گردد، دلیل عمده این قضیه اهمیت است که منابع و سرمایه‌های انسانی به عنوان پایه‌های اصلی هر ملت محسوب می‌شود (شاه پسند، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۳۹). آموزش عالی در کشور ما نه تنها رسالت تجهیز نیروی انسانی کشور به سلاح علوم، فنون، معارف و تربیت محققان و دانش پژوهان را بر عهده دارد، بلکه به دلیل توجه خاص به مسائل ارزشی و معنوی، تدارک نیروهای متخصص واجد صلاحیت فکری و اخلاقی و جذب انسان‌های شایسته نیز برای آنها اهمیت حیاتی دارد و از طریق آن می‌توان زمینه تقویت هویت ملی در کشور را فراهم آورد. همچنین آموزش عالی نیز با جذب دانشجو از سراسر کشور توانایی نزدیکی بیشتر و ایجاد شناخت بیشتر را برای گروه‌های قومی از یکدیگر فراهم می‌آورد. بر این اساس، حکومت جمهوری اسلامی می‌تواند از این ظرفیت و پتانسیل دانشگاه‌ها در تقویت هویت ملی در بین افراد جامعه و ایجاد نزدیکی و شناخت بیشتر و بهتر گروه‌های قومی از یکدیگر بهره‌برد. متأسفانه در دهه‌های اخیر یکی از سیاست‌های دولت

فرآیند پذیرش دانشجو به صورت بومی در دانشگاه‌ها است. این امر ظرفیت و پتانسیل دانشگاه‌ها در ایجاد و تقویت هویت ملی در کشور را به نظر می‌رسد دچار آسیب کرده است آن هم در عصر جهانی شدن که زمینه برای به چالش کشیده شدن هویت‌های ملی تا حد قابل توجهی فراهم است و حکومت‌ها نهایت تلاش خود را می‌کنند تا بتوانند در این عرصه جدید از همه ظرفیت‌های ممکن جهت تقویت هویت ملی بهره‌برداری نمایند. بر این اساس سوالی که تحقیق حاضر در پی پاسخ دهی به آن است این است که هویت ملی از بومی‌گزینی دانشجو در دانشگاه‌های کشور دچار چه آسیب‌هایی می‌شود؟

هویت ملی

هویت ملی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی، زاده عصر مدرن اروپاست که از قرن ۱۷ آغاز می‌شود. این مفهوم از اواخر قرن نوزدهم به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته، راه پیدا کرده است به همین دلیل می‌توان شکل‌گیری هویت ملی را با شکل‌گیری ملت به معنای امروزی آن مقارن دانست (علم، ۱۳۸۶: ۹۸-۸۱). هویت ملی عبارتست از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که افراد آن نسبت به آنها، خود آگاهی یافته و به واسطه آنها احساس یگانگی و تعلق به یکدیگر می‌کنند. هویت ملی باعث تمایز یک ملت از دیگران شده و موجبات معرفی آن را فراهم می‌آورد. هویت ملی بر پایه خصوصیات سرزمینی، فرهنگی، تاریخی، دینی، قومی، نژادی و غیره شکل می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۱۱). و مربوط به چگونگی پیدایش و بقای یک ملت می‌گردد، و بخش پر اهمیتی از موجودیت روحانی بشر شمرده می‌شود. احساس تعلق داشتن به یک محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن به ویژگی‌های محیطی و فرهنگی آن محیط جغرافیایی ویژه بخش پر اهمیتی از وجود روحانی بشر شمرده می‌شود به این ترتیب، یک کشور هنگامی زنده است و مستقل که در درجه نخست شخصیت ملی مستقلی داشته باشد. شخصیت نو هویت ملی یک ملت هنگامی موجودیت پیدا می‌کند که تار و پود یا پدیده‌های ترکیب کننده آن یعنی نهادهای فرهنگی و روحانی ویژه آن ملت یا کشور موجود باشد. این نهادها در هر سرزمین زاینده گونه ویژه‌ای از تبادل اندیشه‌ها، سلیقه‌ها، باورها و رویکردهای اجتماعی مردمان آن سرزمین است که از فضای انسانی- اجتماعی ویژه آن محیط سرچشمه می‌گیرد و بر همان فضا سایه افکنده و ضامن یکپارچگی آن است و شناسنامه یا «هویت» آن فضا شناخته می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۲۸). به عبارت روشن‌تر هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی و کشور است (حیدری، ۱۳۸۳: ۵۰).

مراکز آموزش عالی

نیروی انسانی به عنوان مهمترین، گران‌ترین و با ارزش‌ترین سرمایه و منبع کشور محسوب می‌شود و تنها عنصر ذی شعوری است که به عنوان هماهنگ کننده و حل کننده سایر عوامل توسعه نقش اصلی را بر عهده دارد. می‌توان به سادگی بیان نمود بدون افراد (نیروی انسانی) دستیابی به توسعه پایدار غیر ممکن است. از این رو منابع انسانی نقش تعیین کننده‌ای در رشد، پویایی و بالندگی یا شکست و نابودی یک کشور دارند. یکی از مکان‌هایی که زمینه پرورش نیروی انسانی را برعهده دارد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌باشند که این منبع حیات را برای رسیدن به اهداف کشور آماده می‌کند. امروزه توسعه منابع انسانی به عنوان پیش‌نیازی جهت دست‌یابی به موفقیت در کشور دارای ارزش و مقامی والا است. این امر کشورها را بر آن داشته تا برای دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، استراتژی‌هایی را در جهت توسعه منابع انسانی در دستور کار خود قرار دهند (سید جوادین، ۱۳۸۸: ۷۷-۱۰۰). یکی از ابعاد آن می‌تواند از آن طریق به منابع انسانی متخصص و کارآمد رسید آموزش عالی می‌باشد، از طریق آموزش است که می‌توان برنامه‌هایی جهت توسعه منابع انسانی داشت و فعالانه در این راه به سمت پیشرفت حرکت کرد، نیروهای متخصص، انسان‌هایی تحول‌پذیر با توانایی‌های بالقوه نامحدود هستند که

این توانایی‌ها می‌توانند تحت نظام و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، پرورشی و پویا به تدریج به فعل درآیند تا جوامع انسانی توسعه‌گرا و ارگان‌های مربوط به آن را از مواهبی بس‌گران بهره‌مند سازند. این وظیفه خطیر بر عهده آموزش عالی می‌باشد که در چارچوب بهسازی منابع انسانی کشور قرار می‌گیرد (حمیدی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳-۴). مورخان از دانشگاه‌ها به عنوان دستاورد بزرگ روشنفکری قرون وسطی یاد می‌کنند که ماهیت و اداره آنها در اسکندریه باستان و فرهنگ اسلامی ریشه دارد. دانشگاه‌ها توسط فرایندهای پیچیده‌ای شکل گرفته‌اند که طی آن انسان‌ها و فرهنگ‌ها با هم ترکیب شدند. دانشگاه‌های معاصر به عنوان یکی از نهادهای مهمی محسوب می‌شوند که فرهنگ و دانش توسط آنها انتقال می‌یابند. آموزش عالی همواره ارتباط نزدیکی با حیات و پیشرفت جوامع بشری داشته است. که ماهیت رسالت و فرهنگ حاکم بر آنها موجبات پیشرفت جوامع بشری را فراهم کرده است (آراسته، ۱۳۸۴). در دو دهه گذشته تعداد دانشجویان کشورهای جهان از ۵۱ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است، کشورهای مختلف جهان به دلیل ارتباط مثبت آموزش عالی با توسعه ملی در طول دو دهه گذشته تلاش بسیاری در جهت گسترش آموزش عالی خود کرده‌اند. آموزش عالی عنصر مهم و اصلی توسعه منابع انسانی تلقی می‌شود. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری در تربیت نیروی انسانی و تحقیقات در بخش کشاورزی ایالات متحده موجب شکوفایی این بخش، به ویژه ازدیاد کمیت و بهبود کیفیت محصولات، تحول در صنایع، و از همه مهمتر کاربردی نمودن علم گردید. از همین رو آموزش عالی به عنوان یکی از ابزارهایی که در جهت تحقق اهداف توسعه به ویژه توسعه پایدار مورد استفاده قرار می‌گیرد، که دلیل عمده این قضیه به خاطر پرورش و رشد منبع حیات و پیشرفت جامعه یعنی نیروی انسانی می‌باشد.

آسیب شناسی

پاتولوژی به معنی آسیب شناسی، بیماری‌شناسی و تشخیص آسیب‌های وارده بر سیستمی مشخص (مورد مطالعه) است. این علم که به طور گسترده در علوم زیستی کاربرد دارد در عاوم انسانی نیز دارای کاربرد می‌باشد. البته تمام مطالعاتی که در جهت آشکار سازی عیوب و عوامل آسیب‌زای سیستم خاصی قدم بر می‌دارند، در حیطه علم آسیب شناسی قرار دارند. آسیب شناسی با مشاهده عوارض آسیب آغاز می‌شود. در مورد منابع انسانی عوارض آسیب به طرق گوناگون بروز می‌کند که به آن مسائل رفتاری لقب داده‌اند. به عبارت دیگر آسیب شناسی فرایندی است نظامند از جمع‌آوری داده‌ها به منظور تعامل اثربخش و سودمند در راستای حل مشکلات، چالش‌ها، فشارها و محدودیت‌های محیطی در اجتماع (جان پرور و حیدری موصول، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

۲. روش

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس در این تحقیق سعی شده است علاوه بر تصویر سازی درست از هویت ملی به تشریح و تبیین تأثیرات راهبرد گزینش بومی دانشجویان در دانشگاه‌ها بر هویت ملی بپردازد. لازم به ذکر است در این تحقیق برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی و اطلاعات میدانی در قالب مصاحبه به صورت همزمان استفاده شده است. هدف کلی این تحقیق آسیب شناسی هویت ملی ناشی از بومی‌گزینی دانشجویان در دانشگاه‌ها است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، دانشجویان بومی دانشگاه فردوسی مشهد و حکیم سبزواری هستند. موقعیت و شرایط ویژه‌ی مساله‌ی بومی سازی پژوهشگر را به سمت استفاده از روش تحقیق کیفی سوق داده و آن را به سمت آسیب شناسی هویت

ملی ناشی از بومی گزینی دانشجویان در دانشگاهها هدایت نمود. لازم به ذکر است جهت تسهیل در امر تحلیل مصاحبه افراد شرکت کننده در قالب کدهای مندرج در جدول ذیل مشخص شده اند.

جدول ۱: مشارکت کنندگان در پژوهش

کد	عناوین مشارکت کنندگان
الف	دانشجویان بومی دانشگاه حکیم سبزواری
ب	دانشجویان بومی دانشگاه فردوسی

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، آن دسته از دانشجویان بومی دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد و حکیم سبزواری هستند که در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می باشند. روش نمونه گیری نیز استفاده از روش نمونه گیری در دسترس است. بدین ترتیب که از تمامی افراد جوان تا سنین بالاتر مصاحبه به عمل آمد تا به تمامی جوانب، موانع و مشکلات بتوان دست یافت. از طرفی نمونه گیری در دسترس برای تحقیقات اکتشافی، اطلاع از دیدگاه های مختلف و طبقه بندی انواع آنها مناسب است.

برای این منظور با ۲۰ نفر از دانشجویان بومی دانشگاه فردوسی مشهد و حکیم سبزواری مصاحبه به عمل آمد؛ و با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته، نظر افراد و داده‌های مورد نیاز گردآوری شد. در ابتدای مصاحبه توضیحات کلی در مورد تحقیق و هدف آن به مصاحبه شنونده ارایه و سپس مصاحبه آغاز می‌شد. در حین مصاحبه افراد سوالها و یا ابهام‌های احتمالی خود را در مورد سوال‌های مصاحبه و منظور دقیق پژوهشگر مطرح و پژوهشگر جواب مناسب را جهت رفع ابهام ارائه می‌نمود، و مصاحبه ادامه پیدا می‌کرد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ دقیقه تا ۴۵ بود؛ و مصاحبه‌ها یادداشت برداری و ضبط می‌شدند تا بعداً پیاده‌سازی صورت گیرد. مرحله بعد از اتمام مصاحبه‌ها مرحله کدگذاری است؛ برای تحلیل اطلاعات مصاحبه از روش تفسیری استفاده شده است.

۳. یافته‌ها

۳-۱- یافته‌های نظری

قومیت در ایران

جهان انسانی، دنیایی متشکل از اقوام و ملل گوناگون است که در سرتاسر، آن با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی، پراکنده شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقط در چهارده کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و تنها چهار درصد مردم دنیا در کشورهای زندگی می‌کنند که دارای یک گروه قومی هستند (شامایی، ۱۹۸۶: ۶۶). شاید تا قبل از دهه شصت میلادی موضوع تنوع قومی دل مشغولی زیادی برای اندیشمندان و جوامع ایجاد نمی‌کرد، اما به موازات احیاء هویت‌های قومی و شکل‌گیری تعارضات قومی، مسئله قومیت و هویت قومی از یک موضوع «پیرامونی» به موضوع «اصلی» در ادبیات و آثار اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است (براون، ۱۹۹۳: ۴۳) و به عنوان یکی از برجسته‌ترین مسائل جهانی مطرح شده است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۸). چنانکه برخی، عصر حاضر را قرن اقلیت‌ها و قومیت‌ها (خوب روی، ۱۳۸۰: ۱) و مهمترین دغدغه انسان عصر نو می‌شمارند (دوران و محسنی، ۱۳۸۳: ۸۵). تشدید این موضوع، به ویژه در جوامعی چون ایران که از تنوع برخوردارند بیشتر خودنمایی می‌کند. به دلیل شرایط حاکم و موضوع مهم جهانی شدن و شرایط منحصر به فرد ایران، بسیاری از صاحب نظران مسئله حال و آینده کشور را موضوع قومیت‌ها می‌دانند (کولایی، ۱۳۸۳: ۵۱). در این راستا، مسئله قومیت یکی از مهمترین مسائل جامعه ایران تبدیل شود. از سوی دیگر، بسیاری از دشمنان کشور و مخالفان نظام، مسئله «قومیت‌ها» را پاشنه آشیل کشور ایران می‌دانند و در این راه نیز عمل می‌کنند. برخی آمارها نیز حکایت از رشد احساسات قومی در بین اقوام ایرانی دارد (سلیمی، ۱۳۸۶: ۴۲). به عنوان مثال در جدول ۲ زیر به روشنی مشخص است که هر قوم ایرانی چند روز در سال با دیگر اقوام رابطه دارند:

جدول ۲: روابط دوجانبه ی عاطفی بین اقوام

دیگراقوام	لر	کرد	فارس	بلوچ	آذری	
آذری				۱.۷	۵۷.۹	۲۱.۳
بلوچ	۲.۸	۶	۲۶.۱			۳.۱
فارس	۱۷.۴	۴۲.۵		۱۲.۳		۴۵.۹
کرد	۳.۵		۱۰۲.۸	۵.۴		۲۲
لر	۷.۹	۱۶.۹	۱۱۴.۴	۱.۴		۶.۱
کل اقوام	۱۸.۲	۲۴	۹۹.۵	۴.۸		۱۷.۵

منبع: عراقیه، ۱۳۹۱: ۱۹۱

۳-۱-۱- بومی سازی دانشگاه‌ها

دانشگاه در ایران بعنوان یک پدیده اخص فرهنگی، وارداتی است. البته این لزوماً بامعنایی منفی ندارد. اساس پویایی و غنای فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری تبادل فرهنگها است. این امکان وجود دارد که عنصری از فرهنگی خاص در فرهنگی دیگر زمینه

رشد و تعالی پیدا کند. با مطالعه فرهنگ‌های دیگر است که شناخت فرهنگ خود عمق پیدا می‌کند. تقریباً در همه جا به تقلیدهای مخرب از هر نوع ابتکار درون‌زا، یک شکل‌سازی انواع زندگی و تهدیدهایی که ضد هویت و غنای فرهنگ‌ها می‌شود اعتراض‌هایی صورت می‌پذیرد. برای درک آموزش باید به پیچیدگی‌های جهان امروزی یعنی جهانی که در آن نظام‌های بوم‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به صورت تفکیک‌ناپذیر درهم می‌آمیزند توجه داشت. باید به همزیستی فرهنگ‌ها با حفظ تفاوت‌های آن‌ها احترام گذاشت و این فرموده پیامبر که علم را طلب کنید حتی اگر در چین باشد نشانگر به هم تنیدگی دانش بشری و تاثیر فرهنگ‌ها در گسترش مرزهای دانش است (کوی، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۲). بومی‌سازی دانشگاه در ایران دارای پیشینه‌ی تاریخی است به طوریکه سابقه‌ی گزینش بومی در ایران به قبل از انقلاب باز می‌گردد. در دوره‌ی پهلوی این سهمیه ۱۵ تا ۲۰ درصد بود و بر طبق این طرح درصد فوق‌الذکر به ساکنان هر منطقه تعلق می‌گرفت. پس از انقلاب اسلامی با توجه به سیاست‌های عدالت‌خواهانه‌ی جمهوری اسلامی و رفع محرومیت از مناطق، و برای آن که دانش‌آموزان مناطق محروم نیز بتوانند به دانشگاه‌ها راه یابند و بتوان نیروی انسانی تحصیل‌کرده‌ی این مناطق را از میان مردمان همان مناطق گزینش و تربیت کرد، کل کشور به پنج منطقه تقسیم شد و استانها و شهرهایی با سطح آموزشی یکسان و نزدیک به هم در یک منطقه قرار گرفتند. به عنوان مثال بر طبق این طرح شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، یزد و ... در منطقه‌ی یک؛ شهرهایی دارای مراکز انسانی بزرگ مانند اهواز در منطقه‌ی دو؛ شهرهایی محرومتر مانند زاهدان در منطقه‌ی سه قرار می‌گرفتند. این سیاست را می‌توان سیاستی موفق قلمداد کرد که از تاثیرات مثبت آن تربیت نیروی انسانی برای مناطق محروم و ارتقای سطح نیروی آموزشی و متخصص در این مناطق بود.

از سال ۱۳۶۵ طرحی با هدف فراهم آوردن امکان تحصیل دانشجویان در قطب، ناحیه، و استان محل سکونت خویش مورد توجه قرار گرفت و در سال ۱۳۶۷ به تصویب رسید. بر اساس این طرح کشور به چند ناحیه تقسیم می‌شد و به عنوان مثال استانهای تهران، زنجان، مرکزی و قزوین یک ناحیه را تشکیل می‌دادند. چند ناحیه نیز بر روی هم یک قطب را به وجود می‌آوردند. همچنین استانهای اذربایجان شرقی و غربی و بعداً به اضافه‌ی اردبیل در یک ناحیه قرار می‌گرفتند. در این طرح رشته‌ها نیز به رشته‌های کشوری، قطبی، ناحیه‌ای و استانی تقسیم شدند. رشته‌های کشوری رشته‌هایی هستند که در همه‌ی قطبها و نواحی وجود ندارند و بنابراین اخذ دانشجو برای این رشته‌ها در سطح کشور صورت می‌گیرد؛ رشته‌های قطبی رشته‌هایی هستند که حتماً در هر کدام از قطبها یافت می‌شوند و بنابراین داوطلبان یک قطب می‌توانند در همان قطب در آن رشته تحصیل کنند؛ رشته‌های ناحیه‌ای رشته‌هایی هستند که حتماً در هر کدام از ناحیه‌ها وجود دارند؛ و رشته‌های استانی به رشته‌هایی اطلاق می‌شود که در اکثر استانها گسترش داشته و از نظر کاربردی نیز به متخصصان بومی نیاز دارند. چنین تصمیم گرفته شد که ۷۰ درصد (بین ۶۰ تا ۸۰ درصد) ظرفیت رشته‌های قطبی یا ناحیه‌ای به داوطلبان همان قطب یا ناحیه اختصاص یابد و اگر رشته‌ای کشوری باشد، به نسبت تمامی داوطلبان کشور تقسیم شود (ایسنا، ۱۳۸۸). در اینجا شایسته است که برخی از نظرات صاحب‌نظران در ارتباط با قومیت و چند فرهنگی نظام آموزشی اشاره گردد:

جدول ۳: اشارات برخی صاحب نظران در حوزه قومیت و چند فرهنگی

صاحب نظر	مفاهیم اصلی	اشارات در حوزه قومیت و چند فرهنگی
سوزان ادگرتون (۲۰۱۰)	گروه‌های حاشیه‌ای، بنیادگرایی، انتقال، عشق و علاقه	ضرورت توجه به گروه‌های حاشیه‌ای
لویس ویز (۲۰۱۰)	نژاد، طبقه و جنسیت	مقاومت در برابر تبعات نژادپرستانه نیاز به گفتگوهای صحیح در کلاس‌های درس
هنری ژورو (۲۰۱۱)	آگاهی طبقات زیردست به حاشیه رانده شده گروه اقلیت	گوش دادن به صدای درون گروه‌های اقلیت و ضرورت توجه به تعلیم و تربیت
مایکل اومی (۲۰۱۰)	قومیت، نژاد، طبقات نژادی، ساختار نژادگرایی	نژاد، مفهومی چند بعدی از معانی اجتماعی، ذهنی شدیدا قلیل یا آفرینی و تفسیر است
هاوارد ویننت (۲۰۱۰)	وجود برتری نژادی	وجود برتری نژادی را یادآوری کرده و انکار آن را به چالش میکشد. توجه به نژاد به عنوان عاملی که جوامع و اقوام را تقسیم کرده و سیاست‌های اجتماعی بسیار متفاوت و متضادی را شکل میدهد
کامرون مک کارتی (۱۹۹۳)	دانشو درک فرهنگی	آموزش چند فرهنگی را به عنوان راه حل متضاد و مسأله ساز برای نابرابری نژادی در نظام آموزشی تلقی میکند.

منبع: عراقیه، ۲۰۱۳: ۶۲

۲-۱-۳- رابطه دانشگاه‌ها و هویت ملی

هدف غایی نظام‌های آموزشی در سراسر دنیا تعلیم افراد به منظور حضور در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور است؛ به نحوی که نظام آموزش عالی در سراسر گیتی، گروه‌های دانشجویی را در دانشگاه‌ها و کلاس‌های درس فراهم می‌آورد تا امیدها و انتظارات جامعه و افراد را برآورده سازد. در این بین علی‌رغم آنکه در ظاهر، فراگیری علم و ترویج شاکله‌های آن مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی به شمار می‌آیند، با این حال نباید از یاد برد که نظام آموزش عالی نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌نماید. از این رو افراد علاوه بر فراگیری علم و دانش به شناخت خود و دیگران نیز می‌پردازند. به همین سبب نحوه شکل‌گیری شخصیت و جامعه‌پذیری فرد در این نظام از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ به نحوی که جامعه‌پذیری می‌تواند افرادی تربیت کند که در راه رشد و کمال خود و توسعه و سازندگی جامعه قدم بردارند و یا بالعکس. این نظام باعث می‌شود فرد علاوه بر کسب اطلاعات و دانش، برای ایفای نقش‌های مختلف در جامعه آماده شده و با هنجارها و قواعد اجتماعی آشنا شود و خود باعث تقویت هویت ملی در بین افراد گردد.

۳-۱-۳- نقش دانشگاه‌ها در ادغام هویت‌های محلی با هویت ملی

صاحب نظران بر این باورند که هویت قومی امری متاخر نسبت به هویت ملی است و هویت ملی زائیده ی دنیای مدرن است (پاینده، ۱۳۸۹: ۱۰۲). ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر، به طور مستقیم، درگیر تنوع اقوام و فرهنگ‌های مختلف است. از طرفی دانشگاه‌ها نیز به عنوان محیط‌های فرهنگی، با واقعیت وجود هویت‌ها، اقوام و فرهنگ‌ها و عقاید متفاوت روبرو هستند (عراقیه، ۱۳۸۸: ۱۶۲). تنوع قومی پهنه فرهنگی ایران می‌تواند به عنوان یک امتیاز در جهت تقویت فرهنگی ملی محسوب گردد زیرا در نهایت فرهنگ ملی رشد و غنای خود را مدیون فرهنگ‌های تشکیل دهنده خود است. به طور کلی سه لایه قومی، ملی، مذهبی و یک لایه قوی یادگیری از ظرف جهانی، لایه‌های هویت ملی ایرانیان را تشکیل می‌دهند. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور هستند که برای تقویت هویت ملی باید به یک منشور ملی در این زمینه دست پیدا کرد؛ زیرا از این منظر نظام آموزشی ایران، باید برای هر سه لایه جا باز کند. از یک منظر آنچه عموم افراد را دور هم جمع می‌کند و زمینه‌ای مشترک برای کار، اهتمام و فعالیت ایجاد می‌کند، تعلق به سرزمین است. تعلق به سرزمین، مهم‌ترین سکوی اشتراکات عینی و کاربردی عامه یک ملت است. البته حل و فصل بحث‌های هویتی ساده نیست و به کار عمیق فکری، جامعه‌شناختی، روانشناختی و فلسفی نیاز دارد. توجه به این نکته نیز مهم است تا زمانیکه مسئله هویتی خود را به واسطه نظام آموزشی که از سنین کودکی با آن آشنا می‌شویم حل نکنیم، آسیب‌پذیری ما افزایش می‌یابد. به این ترتیب، هنر دولت مردان و عاملان آموزش کشور ما این است که بتوانند بابرخورد واقع بینانه، فضای مناسبی برای سه منبع دینی، ملی و جهانی هویت باز کنند و آنها را از طریق نظام آموزشی به سایر سطوح منتقل کنند. تقویت شاخص‌های هویت ملی مثل وطن دوستی، سرود ملی، زبان و خط رسمی و همچنین دین و مذهب رسمی، نظام، پول رایج، میراث فرهنگی و غیره باید از سنین پایین و بوسیله نظام آموزشی به افراد تزریق شود. موفقیت‌ها و افتخارات ملی گذشته در طول تاریخ، احساس تعلق به ملت واحد را تقویت خواهد کرد و احساس افتخار را در دانشجویان نسبت به ملیت‌شان برخواهد انگیخت. تشریح شجاعت سرداران و سربازان ایرانی در جنگ‌ها به ویژه جنگ تحمیلی، پیوند اجتماعی لازم را که مسبوق به حافظه تاریخی واحد است، ارتقاء خواهد بخشید. همچنین باتوجه به عصر جهانی شدن، سیاست‌گذاری آموزشی باید علیه شکاف‌های قومی باشد؛ یعنی ذکر آموزه‌های مبتنی بر احساس ملت واحد به موازات تکریم و به رسمیت شناخته شدن تمامی قومیت‌ها و اقلیت‌های زبانی صورت پذیرد. می‌توان گفت هویت ایرانی و هویت قومی در واقع مفاهیم متفاوت، دور از هم و پرت افتاده از یکدیگر نیستند، چراکه هویت قومی به هویت فرهنگی ایرانی متصل است و از طرف دیگر هویت فرهنگی ایرانی، الگوی پیچیده‌ای متشکل از گروه‌های مختلف قومی است که به رغم الگوهای مختلف فرهنگی، هویت کلان فرهنگی ایرانی را شکل بخشیده‌اند. بدین لحاظ هویت فرهنگی مردم ایران خود به نوعی جنبه‌های عام و فراگیر فرهنگ و هویت گروه‌های قومی بوده که در گذر زمان شکل یگانه، واحد و فرا قومی در حد و اندازه یک ملت کهن و دیرپا یافته است. از طرف دیگر هویت فرهنگی - ملی ایرانی چتر گسترده‌ای است که هویت‌های محلی - قومی را در درون خود دارد و عنصر پیوند دهنده اقوام است. یا به تعبیر دیگر، هر یک از اقوام تشکیل دهنده هویت فرهنگی ایران در حالی که برخوردار از هویت قومی ویژه‌ای هستند در عین حال زمینه گسترده‌ای از مشترکات، هویت فرهنگی یگانه آن را موجب شده است (مجته‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۰۵). دانشگاه با فراهم سازی شرایط گرد آمدن اقلیت‌ها و قومیت‌های گوناگون و ایجاد رابطه بینومی رابطه

با اکثریت جامعه سبب هضم قومیت‌ها در درون جامعه در آینده می‌گردد به گونه‌ای که همانگونه که مشاهده می‌گردد اقلیت‌هایی که دارای تحصیلات دانشگاهی بالاتری هستند نسبت به سایرین دارای تعصب کمتری نسبت به هویت قومی خود هستند.

۴-۱-۳ نقش دانشگاه‌ها در نزدیکی تعاملات قومیت‌ها به یکدیگر

چنانچه رابطه اجتماعی را مجموعه‌های از کنشهای اجتماعی معنی‌دار تلقی کنیم و طرح اجیل پارسونز را سرمشقی برای تفکیک انواع کنش معنادار قراردهیم، در این صورت، چهار نوع رابطه‌ی اجتماعی را می‌توان از هم تفکیک نمود و آن را مبنایی برای مطالعه‌ی روابط بین قومی قرار داد. این چهار نوع رابطه عبارتند از: روابط مبادله‌ای (A)، روابط قدرت (G)، روابط گفتگویی (L) و روابط ارتباطی یا اجتماعی (I). در حالیکه رابطه مبادله‌ای حامل معنای اقتصادی و پولی است مثل معامله و داد و ستد در بین اعضای گروه‌های قومی، رابطه گفتگویی حامل اندیشه و فکر است، مثل تبادل نظر در بین اعضای گروه‌های قومی رابطه‌ی اجتماعی حامل احساس و عاطفه است مثل دوستی و معاشرت در بین اعضای گروه‌های قومی و در مقابل رابطه‌ی قدرتی متضمن قدرت و سیادت است، مثل نزاع، اختلاف و کدورت در بین اعضای گروه‌های قومی. نمودار چهار نوع رابطه‌ی اجتماعی در شکل زیر مطابق طرح اجیل پارسونز ترسیم گردیده است:

نمودار ۱.۴ نوع رابطه

مبادله‌ای		قدرتی
A	رابطه	G
L		I
گفتگویی		اجتماعی

در دانشگاه روابط افراد قومی با یکدیگر از نوع گفتگویی و اجتماعی است. افراد از طریق گفتگو و تعاملاتی از جمله شرکت در کلاس‌های فوق برنامه، انجمن‌های دانشگاهی، حضور در خوابگاه دانشگاهی و ... زمینه برخورد و صمیمیت خود را در میان اکثریت فراهم می‌آورند. باتوجه به حساسیت مسئله هویت ملی در ایران و با در نظر گرفتن موقعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، بی‌توجهی به مقوله هویت ملی در دانشگاه، در مقام یکی از مهم‌ترین عوامل نزدیکی جوانان به یکدیگر، جای تأمل دارد. دانشگاه مکانی است که گفت و گوی بین فرهنگها میتواند سازو کاری مناسب در جهت فراهم کردن همگرایی قومی ایجاد نماید (حاجیانی، ۱۳۸۱: ۷۵) به گونه‌ای که هر چقدر تعامل میان اقوام بیشتر باشد صمیمیت رو به افزایشی ایجاد خواهد شد. افزایش توان افراد در برطرف کردن موانع ارتباطی در محیط‌های دانشگاهی از طریق خوابگاه‌ها، کلاس‌های درسی و فعالیتهای آموزشی پژوهشی می‌تواند تاثیر مثبتی در توسعه‌ی اخلاق داشته باشد. در نظام آموزش عالی صرف نظر از نوع قومیت و فرهنگ

دانشجویان، زمینه‌ی بهبود رشد شناختی، درک نژادی و قومی، تقویت حس اجتماعی، مشارکت مدنی و زمینه‌ساز همکاری فراگیر بر روی پروژه‌های تیمی فراهم خواهد شد (عراقیه، ۱۳۹۰: ۵۹). هویت دانشجویان گروه‌های قومی فقط در ارتباط با شاخص‌های سبک زندگی متاثر از الگوی عام‌گرایی فرهنگی است. بدین ترتیب دانشجویان با تکیه بر الگوهای عام تلاش می‌کنند ارتباط و تعامل دیالکتیکی بین الگوهای هویتی محلی، ملی و جهانی برقرار کنند. دانشجویان تنها یک هویت یک‌پارچه برگرفته‌شده از یک اجتماع، قومیت و یا ملیت ندارند. بلکه آنان می‌کوشند مولفه‌های مختلفی را از اجتماعات مختلف محلی، ملی و فراملی گزینش کنند و در درون خود ترکیبی خاص از آن‌ها به وجود بیاورند. الگوی شکل‌گرفته به هیچ وجه معرف هویت اجتماعی دانشجویان نیست و این عناصر در ارتباط با هویت فردی دانشجویان گروه‌های قومی می‌تواند درست باشد. اما هویت اجتماعی دانشجویان گروه‌های قومی بر اساس موقعیت‌های ساختاری با تکیه بر ویژگی‌های محلی و خاص‌گرایی‌های محلی و ملی تعریف می‌شود. با این تفاوت، خاص‌گرایی در واکنش به فرآیند جهانی شدن شکل نگرفته است (نصرتی، ۱۳۹۰: ۸۶). هر هویت ملی دربرگیرنده هویت قومی است و هر هویت ملی به هویت قومی نیاز دارد و این دو به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت یا عملکرد جاری حیات اجتماعی در هم تنیده‌اند. بنابراین تعریف فرهنگ در سطح ملی، با ارائه هویت و تعلق ملی به مثابه تنها هویت یا حتی به مثابه مهم‌ترین هویتی که بتواند سایر هویت‌ها و تعلق‌های فرهنگی را کنار گذاشته و خود را تحمیل نماید، چندان با واقعیت تطبیق ندارد. از منظر پیش‌بینی علمی و درس‌آموزی از مباحث مطروحه و تحولات اخیر دور از ذهن نمی‌نماید که هویت فرهنگی ایران در صورتی که با تعقل و تدبیر و اتخاذ تمهیدات لازمه همراه نباشد با چالش‌هایی از سوی هویت‌خواهی قومی و ظهور جنبش‌های رادیکال قومی روبرو شود. از طرف دیگر آن روی سکه یعنی افزایش تعصبات قومی در مقابل هویت ایرانی به اندازه سنگینی هویت ملی در مقابل هویت قومی نیز خطرناک و عواقب جبران‌ناپذیر در پی خواهد داشت (صحرانورد، ۱۳۹۲: ۱).

بومی‌سازی یا بومی‌گزینی مسئله‌ایست که از چند سال قبل در کشور مطرح شد و هم‌اکنون نیز در حال پیگیری می‌باشد. در این مدت فواید بسیاری برای این طرح گفته‌اند و لزوم اجرای آن را به همه گوشزد کرده‌اند ولی متأسفانه آسیب‌های این طرح کمتر عنوان شده و یا به صورت کمرنگ مطرح شده است. اولین نکته‌ای که با اجرای این طرح به ذهن هر دانشجو می‌رسد این است که آیا این طرح یک تبعیض نیست؟ هم‌اکنون که با گذشت مدتی از اجرای کم و بیش این طرح تعداد زیادی دانشجو وارد دانشگاه‌ها شده‌اند بهتر می‌توان در مورد این موضوع سخن گفت. با اجرای این طرح افرادی که حائز تراز حداقلی برای ورود به یک رشته‌ی خاص نیستند، به خاطر موقعیت جغرافیایی خود می‌توانند در این رشته تحصیل کنند و در کنار افرادی قرار بگیرند که با تراز و رتبه‌ای بهتر (اما از یک بوم دیگر) وارد همان رشته شده‌اند. مسلماً این امر باعث تغییر در سطح علمی دانشگاه‌ها می‌شود. ممکن است خیلی از مباحث و نکات درسی به خاطر ضعف علمی موجود در کلاس بیان نشود و این یعنی آغاز فاجعه. خواه ناخواه یک جوان باید برای زندگی مشترک، برای پدر بودن و مادر بودن آماده شود و متأسفانه این امر در آموزش و پرورش اتفاق نیفتاده است. البته دانشگاه‌های ما نیز تا کنون در صدد راهی برای تربیت همسر و پدر و مادر نبوده‌اند. اما یکی از محیط‌هایی که بستر لازم برای این تربیت و رشد را دارد خوابگاه می‌باشد. چون در خوابگاه دانشجو باید بتواند کارهایی را که تا امروز خانواده برای او انجام می‌داده خود شخصاً انجام دهد یعنی تقریباً می‌تواند یک استقلال نسبی را تجربه کند. این تجربه می‌تواند فرد را برای استقلال کامل در آینده و حضور در خانواده آماده کند. مهارت دیگری که برای زندگی مشترک و البته برای حضور در جامعه و محیط کار ضروری است، توانایی برقراری ارتباط با دیگران می‌باشد. زندگی خوابگاهی یک فرصت مناسب برای یادگیری این مهارت می‌باشد. دانشجو باید بتواند با وجود اختلاف عقیده و سلیقه با دیگران در این محیط زندگی و درس بخواند. این مهارت به سادگی به دست نمی‌آید و ممکن است در ابتدا تنش‌هایی هم بین افراد به

وجود بیاید اما هنرِ دانشجو این است که بتواند با این مسائل کنار بیاید و محیطی آرام و سالم برای درس خواندن و زندگی کردن فراهم کند.

ایران کشوری متشکل از آیین‌ها و آداب و رسوم متنوع می‌باشد. چیزی که مسلم است این است که وقتی شخصی می‌خواهد برای آینده کشور طرح یا برنامه‌ای ارائه دهد باید یک دید حداقلی نسبت به همه‌ی این فرهنگ‌ها و دیدگاه‌ها داشته باشد وگرنه طرحی که ارائه می‌شود ناقص بوده و فقط برای بخشی از کشور قابل اجرا می‌باشد. این شناخت فرهنگی در یک مدت کوتاه و یا با مطالعه‌ی چند کتاب حاصل نمی‌شود بلکه باید با آن‌ها زندگی کرد. از طرفی امکان حضور همه‌ی دانشجویان در همه‌ی شهرها وجود ندارد، پس باید محیطی را فراهم کرد تا دانشجویان علاوه بر تحصیل علم، تحصیل فرهنگ هم داشته باشند. بهترین محیط برای این امر خوابگاه‌های دانشجویی می‌باشد که بدون صرف پول و وقت اضافه فرهنگ‌های مختلف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. البته باید مسئولین زیر ساخت‌هایی را نیز فراهم کنند تا این تعامل و شناخت به صورت صحیح اتفاق بیفتد. اما مسئله‌ی بعد بحث جریان‌ات دانشجویی می‌باشد. از زمان تأسیس دانشگاه تا به امروز همواره شاهد حضور فعال و البته تأثیرگذار دانشجویان در عرصه‌های مختلف بوده‌ایم. و نکته‌ای هم که در این میان همواره نقش مهم و حیاتی ایفا کرده، خوابگاه‌های دانشجویی می‌باشد. همواره جریان‌ات فکری و سیاسی از این فضا برای نشر و مبارزه استفاده کرده‌اند. علت آن هم واضح است. یک دانشجویی که در محل سکونت خود تحصیل می‌کند، بعد از فراغت از تحصیل مستقیماً به خانه می‌رود و تقریباً ارتباط وی با دانشگاه قطع می‌شود اما یک دانشجوی خوابگاهی بعد از فراغت از تحصیل تازه وارد یک زندگی جدید در بخش دیگری از دانشگاه می‌شود. این زمان فراغت بهترین زمان برای رشد فکری، اعتقادی، هنری، ورزشی، سیاسی، فرهنگی و خلاصه همه‌ی ابعاد ضروری برای یک جوان می‌باشد. بسیاری از گروه‌های هنری و یا ورزشی موفقیت خود را مدیون همین اوقات فراغت می‌باشند. هم چنین جریان‌ات و تشکل‌های دانشجویی از دل همین خوابگاه‌ها و همین زمان‌ها ظهور کرده‌اند. هم اکنون بسیاری بر این باورند که جریان‌ات دانشجویی نسبت به قبل بسیار ضعیف شده‌اند و تأثیر گذاری گذشته‌ی خود را از دست داده‌اند. البته بدون شک در این میان جریان‌ات انحرافی هم همواره بروز کرده‌اند و این یک امر طبیعی است. هر گاه ما جبهه‌ی حق را تضعیف کنیم، جبهه‌ی باطل قدرت می‌گیرد. دشمن هیچ گاه آرام و قرار ندارد. باید حوزه و دانشگاه دست در دست هم بدهند و از این فضاها حداکثر استفاده را ببرند.

۲-۳- یافته‌های میدانی

مطالعه حاضر مطالعه جامعه - انسان‌شناختی است. روش پژوهش حاضر نیز روش کیفی میدانی با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته است که به منظور غنای بیشتر اطلاعات استفاده شده است. از آن‌جا که پژوهش حاضر منطبق خاصی را بر می‌گزیند تا کیفیت، معنا، زمینه و یا پنداشت و تصور دانشجویان نسبت به عناصر هویت‌بخش خود را بررسی کند، بنابراین استفاده از روش کیفی مرسوم در انسان‌شناسی از جمله مردم‌نگاری و کشف دیدگاه‌های مختلف روش مناسبی برای انجام مطالعه حاضر بوده و از این روش استفاده شده است.

افراد مورد مصاحبه دانشجویان بومی از دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد و حکیم سبزواری (دانشکده‌های علوم انسانی، دانشکده‌های فنی و مهندسی و دانشکده‌های علوم) می‌باشند. در مورد تعداد مصاحبه‌شوندگان روند مصاحبه ادامه یافت تا سرحد اشباع نظری رسید. اشباع نظری هنگامی صورت می‌پذیرد که در رابطه با مقوله‌های مورد نظر هیچ داده جدید و مرتبطی در حال ظهور نباشد یا تدوین هیچ مقوله دیگری برای توضیح پدیده مورد علاقه ضروری به نظر نرسد و چنین جلوه کند که

رابطه بین مقوله‌ها به خوبی تثبیت شده باشد (گال، ۱۳۹۰: ۹۸۵). در این تحقیق از مصاحبه هفدهم به بعد، نظرات افراد تکراری بود، لذا فرایند مصاحبه با نفر بیستم پایان یافت. روش نمونه‌گیری نیز استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس بود. بدین ترتیب که از تمامی افراد جوان تا سنین بالاتر مصاحبه به عمل آمد تا به تمامی جوانب، موانع و مشکلات دست یابیم. از طرفی نمونه‌گیری در دسترس برای تحقیقات اکتشافی، اطلاع از دیدگاه‌های مختلف و طبقه‌بندی انواع آنها مناسب است.

پژوهشگر با توجه به هدف پژوهش سوال‌های مصاحبه را به صورت زیر طراحی نمود. همانگونه که ذکر شد، صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده و پژوهشگر در صورت لزوم در حین مصاحبه سوال‌های دیگری را برای تشریح ابعاد سوال مطرح می‌نمود. برای تحلیل اطلاعات مصاحبه از روش تحلیل تفسیری از نوع (کدگذاری آزاد/باز) استفاده شده است. تحلیل تفسیری فرایندی است برای بررسی دقیق داده‌ها که هدف اصلی آن یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و الگوهای است که برای توصیف و تبیین پدیده مورد پژوهش به کار می‌روند (گال، ۱۳۹۰: ۹۷۷). برای این منظور گام‌های زیر صورت گرفته است: ۱) دسته‌بندی پایگاه داده‌ها: تلفیق کلیه داده‌های مورد پژوهش و تشکیل یک پایگاه اطلاعاتی، تایپ یادداشت‌ها، تصحیح و نگهداری متن در یک بانک اطلاعاتی سازماندهی شد؛ ۲) تدوین مقوله‌ها: اطلاعات در طبقه یا حیطه‌هایی قرار داده شدند. اتصال برجسب یا واژه کلیدی، به قطعاتی از متن به منظور بازیابی‌های بعدی، جستجو و بازیابی شامل نشان کردن قطعات مرتبط در متن و در دسترس قرار دادن آن‌ها برای مشاهده، مرتب کردن و سازماندهی کردن قطعات کدگذاری شده، برقراری رابطه بین داده‌ها؛ مرتبط ساختن قطعات متنی به یکدیگر (لینک)، ساخت طبقه‌ها، خوشه‌ها یا شبکه‌ای از اطلاعات؛ ۳) نشانه‌گذاری کردن بخش‌ها (اجزاء)؛ ۴) گروه‌بندی بخش‌های مولفه‌ها؛ ۵) استخراج نتایج و نتیجه‌گیری یعنی آسیب شناسی بومی سازی بر هویت ملی از دید دانشجویان دانشگاه.

داده‌های پژوهش که حاصل تحلیل تفسیری، تحلیل محتوا و استقرایی مصاحبه‌های انجام شده است؛ با هدف شناسایی تهدیدها و فرصت‌های بومی شناسی دانشگاه‌ها از بعد تاثیرات ناشی از بومی سازی در هویت ملی و قومی و تاثیرات بومی سازی در انسجام مذهب و غربی‌زدایی تحلیل شد. در مرحله کدگذاری، با تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، تعداد کدهای بدست آمده ۱۲۷ کد بود؛ که به صورت گزاره‌های مفهومی اولیه مشخص شد. در مرحله بعد که می‌بایست مقوله‌ها از کدها استخراج شود، و مقولات را تشکیل دهد، تعداد ۲۷ مقوله دسته‌بندی بدست آمد. این مقوله‌ها را می‌توان با عنوان‌های عدم تبادل فرهنگی، عدم ارتباطات اقوام مختلف، عدم یکپارگی ملی، عدم تعصب ملی، بحران اقتصادی، ضعف در اتحاد و همدلی کشوری، ستیز و اختلافات داخلی، چندگانگی فرهنگی، چند دستگی قومیت‌ها (در تاثیرات بومی سازی بر هویت ملی)، هم‌کفو فرهنگی، نیروی انسانی متخصص، شرایط کاری، انسجام هویت قومی، زبان مشترک، عدم انحراف فکری (فرصت‌های بومی سازی بر هویت قومی)، تعصب شدید قومی، ضایع شدن فرصت‌های افراد، نهان ماندن استعدادها، ناآشنایی با فرهنگ‌های مختلف، ناسازگاری با اقوام مختلف، کمبود استفاده از منافع دانشگاه‌های برتر، استفاده نکردن از فرصت‌ها و امکانات خوابگاهی (تهدیدهای بومی سازی بر هویت قومی) ارائه نمود. سپس مقولات (تاثیرات بومی‌سازی، فرصت‌های بومی‌سازی و تهدیدهای بومی‌سازی) براساس اشتراکات مفهومی نشانه‌گذاری شده و در نهایت ۱۰ مولفه اصلی استخراج گردید که نشان‌دهنده آسیب‌های هویت ملی ناشی از بومی‌گزینی دانشجو در دانشگاه‌های کشور است.

نمودار ۲: جریان کدگذاری و تقلیل داده ها در تحقیق بر اساس روش تحلیل تفسیری



همانگونه که در نمودار شماره دو مشاهده می شود، براساس روش تفسیری، تعداد ۱۲۷ کد یا گزاره‌ی مفهومی اولیه بدست آمده است. این گزاره‌ها ناظر بر سوال‌های مصاحبه در مورد تاثیرات ناشی از بومی سازی بر هویت ملی و قومی می باشد. کدها بدون در نظر گرفتن روابط بین آنها و فقط به عنوان مفهوم‌ها و یا گزاره‌های مفهومی (که برچسب های ذهنی جداگانه به وقایع و پدیده‌ها است) تلقی می گردد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). سپس براساس برقراری پیوند بین کدها با یکدیگر گزاره‌های مقوله‌ای تشکیل می شود که تعداد ۲۷ مقوله یا محور احصاء شد. این مقوله‌ها که در یک طبقه به تاثیرات بومی سازی بر هویت ملی و در طبقه بندی دیگر به تهدیدها و فرصت های بومی سازی بر هویت قومی اشاره دارد. در نهایت نتیجه گیری ۱۰ مولفه شناسایی شده از بررسی داده‌های مصاحبه را، همراه با نمونه‌ای از سخنان مصاحبه‌شوندگان مورد بحث قرار می دهد.

۴. بحث

تحولات صورت گرفته در دهه های اخیر ناشی از فرایند جهانی شدن زمینه افزایش خودآگاهی در بین گروه های قومی را فراهم آورده است و از این طریق هویت ملی کشورهایی که دارای گروه های قومی متعددی هستند دچار مشکل کرده است. در این بین، جمهوری اسلامی ایران سرزمینی است با تنوع طبیعی- فرهنگی بسیار بالا که می توان از آن به نحو مطلوبی در روند توسعه و قدرتمند تر شدن بهره برد. تکرر زبانها و قومیتها یکی از اشکال این تنوع است که به رغم تصویری که عموماً به صورت منفی از آن ایجاد شده و گاه آن را به مثابه مشکلی احتمالی برای انسجام و فرآیند شکل گیری روحیه و ساختارهای دولت ملی مطرح کرده اند، می تواند درست برعکس به مثابه ابزاری اساسی برای تقویت این فرآیند به کار گرفته شود (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱). در ارتباط با بومی گزینی دانشجویان در دانشگاه‌ها میتوان بحث و نتیجه‌گیری ناظر بر آسیب شناسی گزینش دانشجویان به صورت بومی در دانشگاه‌ها، در محورهای یاد شده بیان نمود. برای تبیین بهتر مشکلات و مزایای ناشی از بومی سازی در محورهای مختلف، ۱۰ مولفه اصلی به عنوان آسیب‌های هویت ملی شناخته شده است که عبارتند از:

۱- عدم تبادلات فرهنگی بین گروه های قومی: برای اینکه بتوان به یک هویت ملی در کشورهای چند قومیتی نظیر ایران دست یافت باید بتوان تعاملات و تبادلات بین گروه‌های قومی را افزایش داد تا از این طریق زمینه شناخت بیشتر و نزدیکی بیشتر بین آنها را فراهم آورد و هویت یک دست و یکپارچه‌ای را نیز برای آنها به وجود آورد. بومی سازی دانشگاه‌ها این فرصت را از حکومت‌ها جهت ایجاد فضای سالم و دوستانه بین گروه‌های قومی جهت تبادلات فرهنگی و نزدیک شدن فرهنگ‌های قومی به یکدیگر را می‌گیرد. این موضوع از سوی دو گروه دانشجویان مورد تأیید قرار گرفته است.

۲- عدم شناخت گروه‌های قومی از یکدیگر: به هر میزان انسان نسبت به چیزی یا کسی شناخت پیدا کند نسبت به آن احساس تعلق، وابستگی و احترام و نزدیکی پیدا می‌کند. این نزدیکی و ارزش زمینه ایجاد تعامل سازنده و دوستانه را بین آنها فراهم می‌آورد. دانشگاه‌ها در کشور زمینه ایجاد این شناخت را بین گروه های قومی به وجود می‌آورد. این شناخت تا حدی است که خیلی از افرادی که در دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها ساکن بوده اند نزدیکترین دوستان خود را از بین گروه های قومی متفاوت از خود و از شهرهای دیگر انتخاب می‌کنند و این دوستیها حتی تا آخر عمر هم ادامه می‌یابد. این شناخت تصور ذهنی افراد نسبت به گروه های قومی موجود در کشور را در ذهن افراد تا حد قابل توجهی تغییر می‌دهد. با بومی گزینی دانشجویان در دانشگاه‌ها دستیابی به شناخت نسبت به گروه های قومی موجود در فضای کشور تا حد قابل توجهی کاهش یافته است و این امر وابستگی، نزدیکی و احترامی که می‌توانست با این شناخت شکل بگیرد را از میان برده است. نبود این شناخت به افزایش تنش‌ها و کشمکش های خواسته و ناخواسته در بین گروه های قومی می‌انجامد و هویت ملی با مشکل مواجه می‌سازد. این مولفه از سوی دانشجویان در دو گروه الف و ب مورد تأیید قرار گرفته است.

۳- عدم در هم آمیزی گروه‌های قومی از طریق ازدواج و کار: بررسی های صورت گرفته نشان می‌دهد که حضور فرد در دوران دانشجویی در فضایی خارج از منطقه سکونت زمینه برای ازدواج و دستیابی به اشتغال در آن فضاها فراهم آورده و سبب می‌شود که درصدی از دانشجویان در همان محل تحصیل خود ازدواج کرده و یا مشغول به کار شوند و از این طریق در آنجا ماندگار شوند. این امر سبب می‌شود که بین گروه های قومی درهم آمیزی صورت گیرد و هماهنگی‌ها و نزدیکی بین آنها بیشتر گردد. با بومی گزینی دانشجویان در دانشگاه‌های کشور این فرصت در هم آمیزی از بین می‌رود.

۴- عدم دستیابی به فرصت های برابر: بسیاری از افراد معتقد بودند که با بومی سازی فرصت‌های افراد ضایع خواهد شد. یکی از دانشجویان گروه ب اعلام کرد: به نظر من بومی سازی باعث می‌شود من که شرایط خوبی برای تحصیل در یک دانشگاه

معتبر و بزرگ را دارم نتوانم به دانشگاه مورد علاقم بروم و باید در شهر کوچک خودم تحصیل کنم این باعث می شود که فرصت هایم ضایع شود و استعدادهایم آنگونه که باید شکوفا نشود».

۵- عدم دستیابی به انسجام و اتحاد: در مساله بومی سازی به هویت ملی از این جهت آسیب خواهد رسید بیشتر دانشجویان اعلام کردند که افراد یک منطقه به لحاظ فرهنگی باهم سنخیت دارند اما به لحاظ ملی و اقوام مختلف تفاوت هایی را دارا هستند، یکی از دانشجویان گروه ب بیان کرد: «بومی سازی سبب می شود که افراد دانشگاه و حتی افراد خوابگاهی در یک منطقه با هم اتحاد داشته باشند اما اتحاد قومی باید در راستای هویت ملی شکل گیرد؛ وقتی که تمام افراد بومی شوند باعث می شود انسجام و یکپارچگی و تبادل فرهنگی و ارتباطی بین افراد و قومیت های مختلف دچار نوسان شده و شکل گیری و آشنایی با فرهنگ های مختلف صورت نگیرد و این به هویت ملی ضربه خواهد زد».

۶- ایجاد فضای رقابت ناسالم علمی بین گروه های قومی: در کنار هم قرار گرفتن دانشجویان از گروه های قومی مختلف حرکت جهت رقابت سالم در شرایط یکسان را در بین آنها فراهم می آورد اما با بومی گزینی دانشجو در دانشگاه های کشور شرایط ناهمسانی در رقابت بین این گروه ها فراهم می آورد و به برخی از گروه ها فرصت های بیشتر و به برخی گروه ها فرصت های کمتری واگذار می کند. این مولفه نیز از سوی دانشجویان در هر دو گروه مورد تأیید قرار گرفته است.

۷- افزایش تعصبات قومی: در کنار هم قرار گیری افراد با قومیت های یکسان با در پیش گیری سیاست بومی گزینی دانشجو در دانشگاه های کشور زمینه تقویت همگرایی های میان قومی، ترویج و تقویت فرهنگ های محلی، تقویت آداب و رسوم قومی و به صورت کلی افزایش تعصبات قومی را فراهم می آورد. ایجاد و تقویت این تعصبات قومی زمینه کاهش و کمرنگ شدن هویت ملی را فراهم می آوردند. این مولفه نیز از سوی دانشجویان در هر دو گروه مورد تأیید قرار گرفته است.

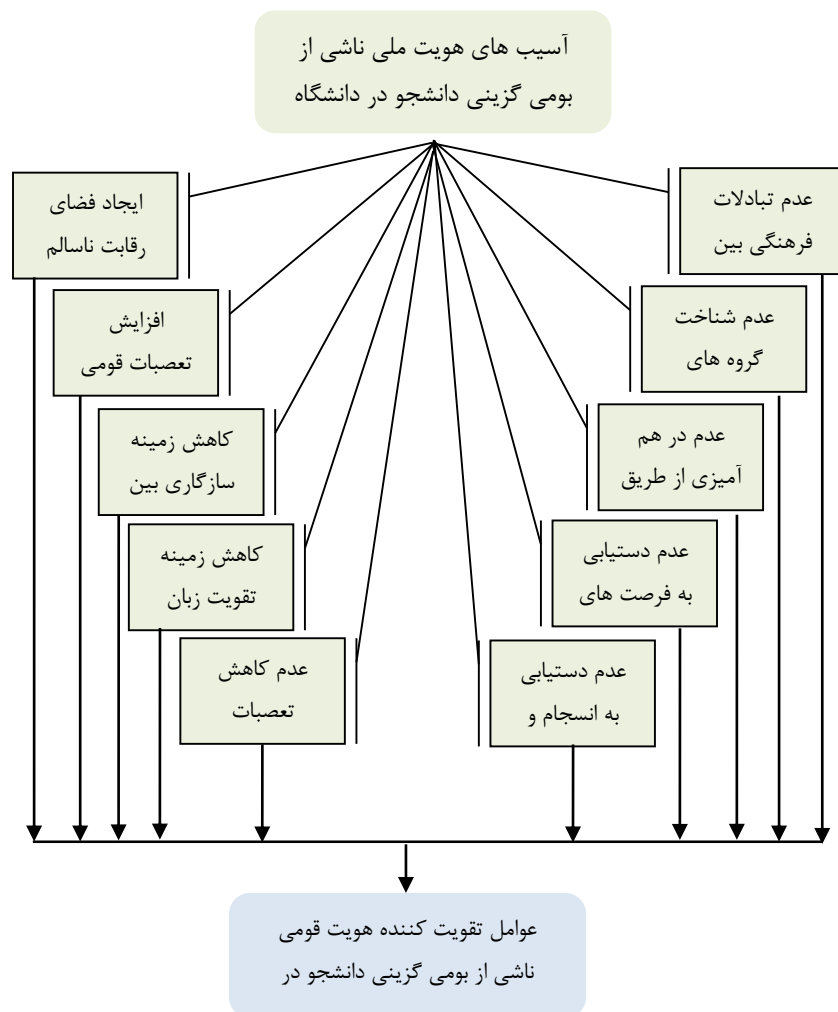
۸- کاهش زمینه سازگاری بین اقوام مختلف: در مساله بومی سازی مشکلی که مطرح است سازگاری با قومیت های مختلف است که با ایجاد بومی سازی باعث می شود این موضوع به مشکل بزرگی تبدیل شود. بیشتر دانشجویان گروه الف بیان کرده اند که: به نظر ما این موضوع؛ عدم آشنایی با فرهنگ ها و همینطور ناسازگاری با دیگر قومیت ها را در پی خواهد داشت و در نتیجه به همبستگی و یکپارچگی ملی لطمه وارد می کند». دانشجویان گروه های قومی به دلیل ماندن در محل و استان زندگی خود، اساساً امکان کسب و نمایش تجربیات زیست جدید بر اساس انتخاب الگوی سبک زندگی را ندارند.

۹- کاهش زمینه تقویت زبان فارسی: برای اینکه بتوان زمینه یادگیری و گسترش زبان خاصی را در بین افراد یک جامعه به وجود آورد باید بتوان شرایط لازم جهت تعامل بیشتر بین افراد دارنده آن زبان و سایر زبان ها را در کنار یکدیگر فراهم آورد تا از طریق در کنار هم قرار گیری آنها زمینه برای یادگیری و گسترش زبان مد نظر فراهم آورده شود. با توجه به اینکه در ایران زبان های مختلفی نظیر کردی، آذری، عربی، ترکمنی و ... در بین گروه های قومی رواج دارد برای اینکه بتوان زمینه تعامل افراد دارنده این زبان با افرادی که به زبان فارسی صحبت می کنند یا اینکه بین خود این گروه ها به عنوان زبان رسمی فراهم آورد. با بومی گزینی دانشجو در دانشگاه ها این فرصت تنها محدود به ساعت کلاس ها می شود و در سایر فضاها و بخش ها افراد چون از یک گروه قومی با زبان مشترک هستند نیازی به استفاده و صحبت کردن به زبان فارسی نمی بینند که این خود تأثیر شگرفی بر کاهش فراگیری زبان رسمی کشور یعنی زبان فارسی دارد. این مولفه نیز از سوی دانشجویان به صورت کامل مورد تأیید قرار گرفته است.

۱۰- عدم کاهش تعصبات مذهبی: در کنار وجود گروه‌های قومی مختلف در فضای کشور، در کشور از نظر مذهبی نیز دارای دو بخش است که شامل مذهب تشیع و اهل سنت می‌شود. مذهب تشیع که بیشتر فضای کشور را در بر می‌گیرد اما مذهب اهل سنت که بخش محدودی را شامل

می‌شوند با مناطق مرزی و پیرامونی و گروه‌های قومی در کشور مطابقت دارد. این حاشیه‌ای بودن و انزوا مذهب اهل سنت در کشور زمینه کاهش تعامل بین مذهب شیعه و اهل سنت را فراهم آورده است و شناخت آنها از یکدیگر را کاهش داده است. بیشتر دانشجویان گروه الف و ب بیان کرده‌اند که: شناخت دقیقی نسبت به مذهب اهل سنت نداشته‌اند؛ عدم آشنایی با مذهب اهل سنت و اشتراکات گسترده‌ای که این مذهب با مذهب تشیع دارد زمینه ایجاد تعصبات بی پایه و اساس را در افراد بالا می‌برد و در نتیجه به همبستگی و یکپارچگی ملی لطمه وارد می‌کند».

در مجموع، سیاست بومی سازی متأسفانه و به نحوی ناخواسته باعث گسترش و تشدید فعالیت‌های منطقه‌گرایانه در دانشگاه‌های استانهای مرزی ایران شده است به گونه‌ای که نشریه‌های دانشجویی بسیاری با محتوای قومی و در جهت دامن زدن به تحریکات قوم‌گرایانه در حال حاضر در دانشگاه‌ها به فعالیت مشغولند. هم‌اکنون گفته می‌شود که بیش از یکصد نشریه دانشجویی با محتوای قومی در دانشگاه‌ها منتشر می‌شوند که برخی از آنها توزیعی عام دارند. از سوی دیگر بومی سازی باعث رواج و گسترش زبانهای محلی و در مقابل، انزوای زبان ملی (فارسی) در دانشگاه‌های استانهای مرزی شده است. تمرکز یافتن دانشجویان مناطق در استانها و مناطق خویش باعث شده است که دانشجویان اطلاعاتی اندک از مناطق دیگر کشور و تاریخ و اوضاع سایر مناطق داشته باشند. بنا به گزارشهایی که از این دانشگاهها دریافت می‌شود معمولاً اقلیتی از دانشجویانی از استانهای دیگر که در این دانشگاهها تحصیل می‌کنند به دلیل تفاوت زبانی و تکلم به زبان فارسی تحت فشار قرار گیرند. وجود اساتید بومی نیز باعث تشدید هر چه بیشتر این وضعیت شده است. با توجه به استقلال گروههای علمی در دانشگاهها، معمولاً اساتیدی از همان مناطق نیز از سوی آن گروههای علمی به عنوان عضو هیات علمی پذیرفته می‌شوند و این امر باعث تقویت بیشتر منطقه‌گرایی می‌شود. بدین ترتیب مسیر سیاستگذاری‌ها در جهتی مخالف هدف ایجاد وحدت ملی در حرکت است و در عوض باعث رشد محلی‌گرایی شده است. این وضعیت تنها به دانشگاههای دولتی محدود نمی‌شود و دانشگاه آزاد را نیز دربرمی‌گیرد. داوطلبان دانشگاه آزاد نیز مکلفند رشته‌هایی را از استان محل آزمون خود انتخاب کنند و مجاز نیستند انتخابی از سایر استانها داشته باشند و این باعث می‌شود معمولاً این انتخاب از استان محل سکونت داوطلب صورت گیرد. بنابراین به صورت کلی می‌توان گفت، بومی‌گزینی دانشجویان در دانشگاه‌های کشور آسیب‌های متعددی برای هویت ملی در پی داشته است که مهمترین آنها شامل ده مورد می‌شود که در شکل (۱) نشان داده شده است. در پایان، ذکر این نکته نیز ضروری است که این راهبرد دارای جنبه‌های مثبت نیز می‌باشد که در قالب تحقیق حاضر به آن پرداخته نشده است باید دو جنبه مثبت و منفی این راهبرد را در کنار یکدیگر سنجید تا بتوان به درست یا اشتباه بودن آن نظر داد که این خود نیازمند کار علمی جداگانه‌ای در این زمینه است.



پیشنهادات

برای فائق آمدن بر این مسأله ملی راه‌حلهایی پیشنهاد می‌شود:

۱. اگرچه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شرایط کنونی درگیر اقتضائاتی است ولی اقتضائات کنونی دائمی نیستند و در آینده مرتفع می‌شوند. سیاست بومی‌سازی نباید به سیاست کلی و دائمی وزارت علوم در گزینش دانشجو تبدیل شود و سیاستها را باید به گونه‌ای طراحی کرد که دانشجویان بیشتری در دانشگاه‌های غیر استان خویش توزیع شوند. به عنوان مثال برای مرتفع شدن برخی مشکلات در خصوص دانشجویان دختر و حساسیتی که خانواده‌ها دارند، میتوان در مورد دختران بومی‌سازی را حفظ کرد و در خصوص پسران از این سیاست دست کشید. پیشنهاد از میان برداشتن سیاست بومی‌سازی به هیچ عنوان به معنای نفی سیاست عدالت طلبانه دولت نیست بلکه آن را تقویت نیز می‌کند. زیرا این امکان را به دانشجویان می‌دهد که بر اساس رتبه قبولی خود در سطح کل دانشگاههای کشور به انتخاب رشته بپردازند و تنها خود را به دانشگاههای مناطق خویش محدود نسازند. برای استمرار بخشیدن به سیاست عدالت طلبانه می‌توان همچنان سیاست سهمیه بندی بر اساس مناطق پنجگانه را که قبل از سال ۱۳۶۷ اجرا می‌شد به قوت خود نگه داشت و به اجرا درآورد. به علاوه، معتقدیم از آنجایی که دانشگاههای

- درجه یک کشور در شهرهای بزرگی مانند تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و ... واقعند، محروم ساختن دانشجویان مناطق دیگر از تحصیل در این دانشگاهها در قالب طرح بومی گرایی خود به نوعی مخالف سیاست عدالت خواهی است. بنابراین لازم است تمامی دانشگاهها در مقیاس کشوری به پذیرش دانشجو پردازند و برای آن دسته از کسانی که اصرار دارند فرزندانشان در محل سکونتشان به ادامه تحصیل پردازند، یکی از دوره های پیام نور یا غیر انتفاعی را به صورت بومی نگهداشت.
۲. برای دستیابی به هدف مورد نظر، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید همّت خود را در جهت تامین خوابگاهها مصروف دارد. با توجه به اهمیت موضوع، و ارتباط آن با منافع ملی کشور باید آن را از موارد دارای اولویت شمرد و بودجه لازم برای آن را بدون هیچگونه تردید تامین کرد. باید به این باور برسیم که ساخت و تجهیز خوابگاهها و اقداماتی از این دست خود نوعی سرمایه گذاری است و منافعی که به دنبال دارد بیش از هزینه ای است که صرف آن می شود. البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که ما برآوردی نداریم که سیاست بومی سازی مشکل نیاز به خوابگاه و به تبع آن مشکلات اخلاقی را حل کرده باشد.
۳. برای ترغیب دانشجویان لازم است رشته های ممتاز در دانشگاههای بزرگی مانند دانشگاه تهران، اصفهان، مشهد و شیراز راه اندازی شود تا انگیزه انتخاب دانشگاههایی در غیر استان محل سکونت افزایش یابد.
۴. لازم است سیاستی اتخاذ شود که ضمن رعایت اصل استقلال گروههای علمی مانع از تمرکز اساتید مناطق در منطقه خودشان شود. بدین منظور شاید بتوان سیاست جابجایی دوره ای اساتید را مدنظر قرار داد.
۵. در کنار بومی زدایی از دانشجویان و اساتید، لازم است مدیریت دانشگاهها نیز بومی زدایی شوند و مدیران به صورت دوره ای در سطح کشور جابجا شوند.
۶. راه اندازی رشته ها موضوع حسّاسی است که به خودی خود جهت گیری آموزش در یک دانشگاه را تعیین می کند و بعلاوه میزان اقبال و گرایش به یک دانشگاه را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین برای ایجاد نوعی همگونی در میان دانشگاههای کشور و ممانعت از اتخاذ سیاستی محلی گرا در دانشگاهها لازم است راه اندازی رشته ها از اختیارات محلی خارج شده، تصمیم گیری در مورد آن در مرکز و با نگاهی ملی صورت پذیرد.
۷. چندین سال است که شاهد توسعه و گسترش کمی دانشگاهها در شهرهای کوچک و بزرگ هستیم این توسعه کمی و گسترش در سطح علاوه بر اینکه باعث افت علمی دانشگاهها شده است، سیاستگذاری در دانشگاهها را نیز از کنترل خارج ساخته است. بنابراین پیشنهاد می شود که رشته های راه اندازی شده در شهرهای کوچک جمع آوری شوند و در عوض قطبهای دانشگاهی در شهرهای بزرگ تاسیس شود. بدین ترتیب حتی می توان شهرهای دانشگاهی داشت.
۸. برای مدیریت وضع موجود، می توان سمینارهایی با موضوع ایران شناسی برای آشنایی دانشجویان با مناطق مختلف کشور برگزار کرد و نیز می توان واحدهایی درسی با این عنوان برای دانشگاهها تعریف کرد. همچنین پیشنهاد می شود مسابقات مهم ورزشی در ورزشگاههای مناطق مختلف کشور برگزار شود تا بدین ترتیب حسّ وطن دوستی در این مناطق تقویت گردد.
۹. مناسب است که وزارت علوم ارتباط بیشتری با وزارت آموزش و پرورش داشته باشد و در تنظیم کتابهای درسی و نوع آموزش متناسب با نیازهای جامعه و موافق با مصالح و منافع ملی هماهنگی بیشتری بین این دو وزارتخانه صورت پذیرد. این هماهنگی حتی میتواند در سوق دادن دانش آموزان از همان ابتدا و قبل از ورود به دانشگاه به سمت رشته هایی مورد نیاز کشور نیز مؤثر واقع شود.

منابع

- استراوس، آتسلم؛ کوربین، جولیت (۱۹۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها. (بیوک محمدی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۵). گزارش عملکرد ستاد اجرایی برگزاری کارگاه‌های تخصصی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵. تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- پاینده، محبوبه؛ جعفر زاده پور، فروزنده (۱۳۸۹)؛ بررسی رابطه‌ی میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دغدشت. دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. شماره ۵. پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- جان پرور، محسن؛ حیدری موصل، طهمورث (۱۳۹۰). آسیب شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. سال چهارم. شماره ۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۱). گفت و گوی بین فرهنگی وانسجام ملی باتأکید بر نظریه هابرماس. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ملی. شماره ۱۲.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۷۰). بررسی برنامه ریزی و سیاستگذاری همکاریها و مبادلات علمی، آموزشی و فرهنگی کشور با مراکز دانشگاهی، تحقیقاتی و فرهنگی سایر کشورها. نشریه دانش مدیریت، شماره ۱۴.
- خوب رویی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰). اقلیت ها. تهران: شیرازه.
- دوران، بهزاد؛ محسنی، منوچهر (۱۳۸۳). مبانی نظری هویت و بحران هویت. (به کوشش علی اکبر علیخانی). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). نگرشی ساده انگارانه به هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم. شماره ۳۱
- سید جوادین، سید رضا؛ شریفی، سید مهدی؛ رایج، حمزه (۱۳۸۸). نقش توسعه منابع انسانی در دستیابی به چشم انداز ۱۴۰۴ صنعت نفت. فصلنامه ی مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت. سال سوم.
- شاه پسند، محمدرضا (۱۳۸۸). تعیین مولفه های زمینه توسعه حرفه ای مربیان مراکز آموزش وزارت جهاد کشاورزی. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. شماره ۱.
- صحرانورد، بهنام؛ اسدی، بهزاد (۱۳۹۲). بررسی هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان ترک زبان. کنگره ی بین المللی پیوست نگاری فرهنگی.
- عراقیه، علیرضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۱). جایگاه چند فرهنگی در آموزش مدرسه ای و آموزش عالی. مجله راهبرد فرهنگ. شماره هفدهم و هجدهم.
- عراقیه، علیرضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ فروغی ابری، احمد علی؛ فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۰). قومیت، پدیده های آکسیمورون در برنامه درسی صریح مدارس متوسطه ایران. فصلنامه نوآوری های آموزشی. شماره ۴۰، سال دهم.
- عراقیه، علیرضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ فروغی ابری، احمد علی؛ فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۸). تلفیق، راهبردی مناسب برای تدوین برنامه ی درسی چند فرهنگی. فصلنامه مطالعات میا نرشت های در علوم انسانی. دوره دوم، شماره ۱.

- علم، محمدرضا (۱۳۸۶). ریشه های هویت ایرانی در قیام میرزا کوچک خان جنگلی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). نقش زبان و هویت های قومی و محلی در توسعه نظام آموزش عالی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات شماره ۹
- کولایی، الهه (۱۳۸۳). مسیر هویت ملی در ایران. (به کوشش علی اکبر علیخانی). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کوی، لوتان (۱۳۸۹). آموزش و پرورش فرهنگها وجوامع. (محمد یمنی دوزی سرخابی، مترجم). تهران: انتشارات سمت.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جوئیس (۱۳۹۰). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی (جلد دوم). (احمدرضا نصر؛ حمیدرضا عریضی؛ محمود ابوالقاسمی؛ خسرو باقری؛ محمد حسین علامت ساز؛ محمد جعفر پاک سرشت، علی دلاور، علیرضا کیامنش و غلامرضا خوی نژاد، مترجمان). تهران: انتشارات سمت.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸). امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران. (حمیدرضا ملک نوری، مترجم). تهران: نشر شیرازه
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده های ژئوپلتیک و واقعت های ایرانی. تهران: نشر نی.
- میرحیدر، دره، میر احمدی، فاطمه، غلامی، بهادر، نصراللهی زاده، بهرام (۱۳۹۲). نقشه های القایی و تحریف واقعیت قومی در ایران مطالعه موردی: قومیت‌های کرد، ترک، عرب و بلوچ. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره بیست و یکم، پاییز زمستان ۱۳۹۲.
- نصرتی، روح الله؛ کاظمی، علی (۱۳۹۰). بررسی انسان‌شناختی شالوده هویت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دو گروه قومی (آذری و کرد) دانشگاه تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. سال ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- واکنش به تقاضای جمعی ازدانشگاهیان برای بازنگری در طرح اصلاح سهمیه‌بندی و بومی‌گزینی دانشگاه‌ها. ایسنا، ۲۹ مهر ۱۳۸۷.
- یوسفی، علی؛ ماسوله، اصغر (۱۳۸۸). قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران. دانشنامه علوم اجتماعی. شماره ۱. بهار ۱۳۸۸.
- **Brown, Michael**, (۱۹۹۳). *Ethnic Conflict and International security*, princeton: N,J, ch۶
- **Shamai, J.S** (۱۹۸۶) *Ethnic and National Identity among Jewish Students in Toronto*. Ph.d. Thesis. University of Toronto.